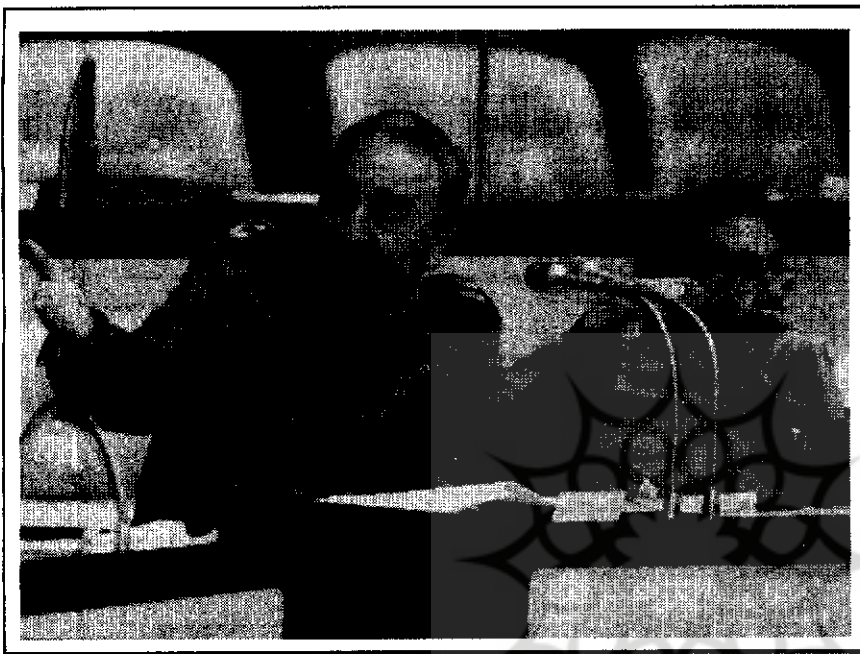


کوبای بعد از کاسترو...



روز اول ژانویه کوبایی‌ها همراه با مراسم سال نو چهلمین سالگرد انقلاب خود را جشن گرفتند، اما چیزی نداشتند که برایش پایکوبی و دست‌افشانی کنند: اقتصاد کشور به هم ریخته، فساد همه گیر و فحشاء در کشور بی‌داد می‌کند. به رغم حضور پلیس و ماموران مخفی در همه گوشه و زوایای اجتماعات شهری و روستایی، میزان تبهکاری رو به افزایش است. فراساختار کشور درهم شکسته و وعده‌هایی که طی چهل سال به مردم داده شده است برباد هوا رفته است، کوبا در سال ۱۹۹۹ در بعضی از زمینه‌ها و حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی از سال ۱۹۵۹ نیز عقب‌تر رفته است. نویسنده چنین سناریویی کسی جز فیدل کاسترو نیست که به رغم آن چه که گفته شد در قلب بسیاری از کوباییها جای دارد.

کاسترو مدعی است که او در کشور قدرتی نیست بلکه تنها یک مقام است که این یک بی‌حقیقتی آشکار است، چرا که منتقدان او فرجامشان زندان و یا تبعید است. با این همه فیدل کاسترو که یک چهره شناخته شده جهانی است با دیکتاتورهای دیگر دارای تفاوت‌هایی است.

در هیچ جای کوبا از او مجسمه‌ای دیده نمی‌شود، هیچ ساختمان و موسسه‌ای به نام او نامگذاری نشده و به شیوه صدام حسین در هیچ جا پوسترهای او به چشم نمی‌خورد. در عوض مظاهر اجتماعی او به صورت نطق‌های شش هفت ساعته و تفسیرهای طولانی رادیو تلویزیونی از هر جمله‌اش و از هر حرکت اجتماعی و سیاسی‌اش او را در میان حکمرانان خودکامه جهان مستثنی کرده است. اکثر مردم کوبا به سیل کلماتی که از دهانش خارج می‌شود معتاد شده‌اند و خستگی خود را از ساعت‌ها گوش دادن به این کلمات می‌پوشانند. بسیاری از مردم او را به خاطر چهل سال ایستادگی مبردانه در مقابل غول و ابرقدرت همسایه‌شان آمریکا تحسین می‌کنند. در روستاها مردم، و به ویژه آنهایی که قدری مسن‌تر

هستند به رغم ناکامی‌های اجتماعی و اقتصادی کاسترو به او عشق می‌ورزند و این ناکامی‌ها را بخشی از تحریم‌های «یانکی‌ها» توصیف می‌کنند. بسیاری از مردم به خوبی دریافته‌اند که رویای سوسیالیسم کاسترو مرده است و به دنبال تحولاتی جز راه‌حل‌های سوسیالیستی هستند. اما همین‌ها از آن نگرانند که مبادا چنین تحولی به شیوه خونین و خشونت‌بار کاپیتالیسم غربی به ارمان آورده شود. آن‌ها نمی‌خواهند چنین تحولی به قیمت از دست رفتن «دست‌آوردهای انقلاب» در زمینه رفاه عمومی، آموزش و بهداشت رایگان تحقق یابد. این سه بزرگترین دست‌آورد برای کشور فقیری چون کوبا بوده است. بسیاری انتظار دارند آغاز تحولات با بازنشستگی خوشایند و موقرانه فیدل کاسترو همراه شود. فیدل کاسترو شخصیتی مطلع، با ظرفیت و متلون المزاج تقریباً کنترل تمامی بخش‌های حکومت را در دست دارد که بزرگترین دلیل ناکامی‌های کشور فقیری است که می‌توانست

کشوری ثروتمند باشد. یک رستوران دار اهل هاوانا می‌گوید: «به محض آن‌که فعالیت کاری آغاز می‌شود متوقفش می‌کنند. هر چه را که نفعی و سودی در آن باشد بلافاصله در مقابلش قد علم می‌کنند.»

پس از آنکه در کوبا فعالیت‌های بخش خصوصی به تعطیلی کشانده شد کوبایی‌ها به سلاخه کاری و فعالیت‌های زیرزمینی روی آوردند. بسیاری از مردم از بیم آن‌که دولت از میزان دارایی آن‌ها مطلع نشود پول خود را در بانک‌ها نگاه نمی‌دارند. اقتصاد سیاه دامنه‌ای بسیار گسترده دارد و بسیار کارسازتر و فعالتر از اقتصاد بخش دولتی است، از این گذشته در بخش دولتی نیز بازار سیاه رواج کاملی دارد. پزشکان از بیمارستان‌ها دارو به سرقت می‌برند و با دلار مبادله می‌کنند. در برابر فروشگاهها و بازارهای دولتی خیل فروشندگانی که کالاهای قاچاق اراشه می‌دهند اجتماع می‌کنند.

وحشت از هرج و مرج

در سال ۱۹۹۸ به دنبال ویرانی‌های ناشی از طوفان‌های منطقه‌ای برداشت محصول شکر سه میلیون و دویست هزارتن بود که کمترین مقدار در ۵۰ سال گذشته است. این کاهش همراه با سقوط قیمت شکر و نیکل دو کالای عمده صادراتی کوبا در بازارهای جهانی کل صادرات کوبا را با ۱۱ درصد سقوط مواجه کرد و در عوض واردات آن شش درصد افزایش یافت. گفته می‌شود این ارقام واقعی نیست و هنگامی که ارقام دقیق‌تر منتشر شود عدم موازنه در صادرات و واردات بسیار بدتر از این را نشان خواهد داد.

روزی که فیدل کاسترو قدرت را در کوبا به دست گرفت سه شعار عمده خود را تحت عنوان «سه ستون انقلاب کوبا» مطرح ساخت که عبارت بودند از بهداشت، آموزش و صنعتی‌شدن، اما امروز اقتصاد کوبا بر دو ستون توریسم و دلارهایی که فراریان کوبا از میامی آمریکا برای خانواده‌هایشان می‌فرستند متکی شده است. پولی که فراریان و تبعیدی‌های کوبایی به کشور خود می‌فرستند سالانه بالغ بر یک میلیارد دلار، یعنی بیش از درآمد کشور از صادرات شکر است.

با فرارسیدن چهلمین سالگرد انقلاب دو سؤال عمده در افکار کوباییان نقش بسته است: فرمانروایی کاسترو چگونه پایان خواهد گرفت و پس از رفتن او چه خواهد شد؟ آنچه که روشن است این که همه کوباییان مایلند دوران اقتدار کاسترو با مسالمت به سرآید. چنین تحولی زمانی قطعی به نظر می‌رسد که کاسترو داوطلبانه از قدرت کناره‌گیری کند. اما آن‌هایی که کاستروی ۷۲ ساله را از نزدیک می‌شناسند معتقدند او اصرار دارد تا آخرین لحظه عمرش همچنان در قدرت باشد. مخالفان کاسترو با تأسف ناظر بر سلامتی کامل او هستند. مردمان عادی کوبا از آن بیم دارند که کاسترو بدون ایجاد هیچ تحول دمکراتیکی در وضعیت کنونی و در اقتدار کامل چشم برججهان ببندد. در چنین صورتی وحشت از هم گسیختگی‌های خونین اجتماعی غیرقابل پیش‌بینی نیست. صحبت از جانشین رائول کاسترو برادر فیدل و فرمانده نیروهای مسلح کوبا بر سرزبان‌ها است ولی رائول محبوبیتی در میان مردم ندارد و از این گذشته تنها ۵ سال از فیدل جوانتر است و کمتر کسی معتقد است او بتواند برای مدت طولانی بر کوبا حکم براند. پاره‌ای معتقدند پس از کاسترو گروهی از تکنوکراتها که

کاهش محصول شکر کوبا در سال ۱۹۹۸ به پایین‌ترین میزان در طول ۵۰ سال گذشته رسید.

در اشغال مقامات حکومتی است و ساختمان‌هایی که به مدرسه و بیمارستان تبدیل شده مصادره‌ای است و به کوبایی‌هایی تعلق دارد که امروز در میامی آمریکا زندگی می‌کنند. هیچیک از این تبعیدیان از ادعاهای خود براموالشان نگذاشته‌اند و برای آن که این اموال را پس بگیرند، روزشماری می‌کنند.

چهل سال حاکمیت مردی حراف و پرمهارت در دادن مانورهای سیاسی از کوبا کشوری با اقتصادی ورشکسته، خدمات عمومی ناهنجار و آینده‌ای نامطمئن ساخته است. فقدان جانشین برای کاسترو، اوپوزیسیونی که بتوان به او متکی بود و حضور یک جامعه در تبعید که نه تنها در اندیشه بازگشت به کوبا است بلکه اندیشه گرفتن انتقام را در سردارد به کوباییان حق می‌دهد که از یک هرج و مرج غیرقابل کنترل و حتی بروز جنگ داخلی پس از دوران کاسترو در هراس باشند.

مأخذ: اکونومیست - هشتم ژانویه ۱۹۹۹

برگردان از بخش ترجمه «گزارش»

هوادر بازکردن فضای سیاسی و حرکت به سوی دمکراسی هستند قدرت را به دست خواهند گرفت که ناظران چنین تحولی را بعید می‌دانند.

به هرحال جانشین یا جانشینان کاسترو هر که

باشند بلافاصله پس از رسیدن به قدرت نه تنها در مقابل خواسته‌های انبوه مردم که به مدت چهل سال در داخل کشور سرکوب شده قرار خواهند گرفت بلکه ادعاهای مسالکیت‌های بی‌شمار کوباییان فراری و تبعیدی که به وسیله حکومت کاسترو مصادره شده است برایشان مطرح خواهد شد.

بسیاری از شرکت‌های کشتیرانی، پالایشگاه‌های نفت، هتل‌ها، کشتزارها، معادن نیکل که امروز به وسیله سرمایه‌گذاران خارجی اداره می‌شوند قبل از انقلاب و حتی چند سال بعد از آن در مالکیت سرمایه‌داران آمریکایی و با کوبایی‌هایی بودند که امروز خود یا بازماندگان‌شان در تبعید به سر می‌برند. بسیاری از خانه‌ها که

پذیرش خبرنگار در شهرستانها

یک روزنامه در شرف انتشار برای پوشش خبری در سراسر کشور علاقمندان آشنا به حرفه روزنامه‌نگاری را به همکاری فرا می‌خواند

شرایط:

- آشنا به اصول روزنامه‌نگاری حرفه‌ای
- متعهد به اصول روزنامه‌نگاری و قوانین جاری کشور و منافع ملی
- داشتن حسن شهرت ملی
- سپردن تعهد برای عدم دخالت دادن تمایلات شخصی - گرایش‌های سیاسی و یا منافع افراد گروهها - در کار روزنامه‌نگاری

مقاضیان سوابق تجری و علمی خود را به نشانی صندوق پستی

۰۴۶۷-۱۴۱۵۵ تهران پ. کاس ۸۸۳۳۳۷۱ ارسال نمایند.